کیهان
فرهنگ مقاومت
moghaavemat@kayhan.ir

شهید قاسم سلیمانی

شهید ابومهدی المهندس

شهید مصطفی چمران

شهید ادواردو آنیلی

شهید حسن شاطری

شهید حسن طهرانی مقدم

شهید حسین همدانی

شهید محسن فخری‌زاده

شهید صیاد شیرازی

شهید محسن حججی

شهید سیدمحمدباقر حکیم

شهید عماد مغنیه

شیخ ابراهیم زکزاکی

دکتر رمضان عبدالله

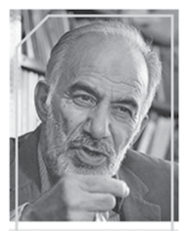
سردار ابراهیم محمدزاده

سیدحسن نصرالله

به مناسبت فرا رسیدن اربعین درگذشت حجت‌الاسلام محمدصادق کرمانشاهی

شیخ صادق
الگوی روحانی مبارز و مردمی

سیدمحمد سیدموسوی

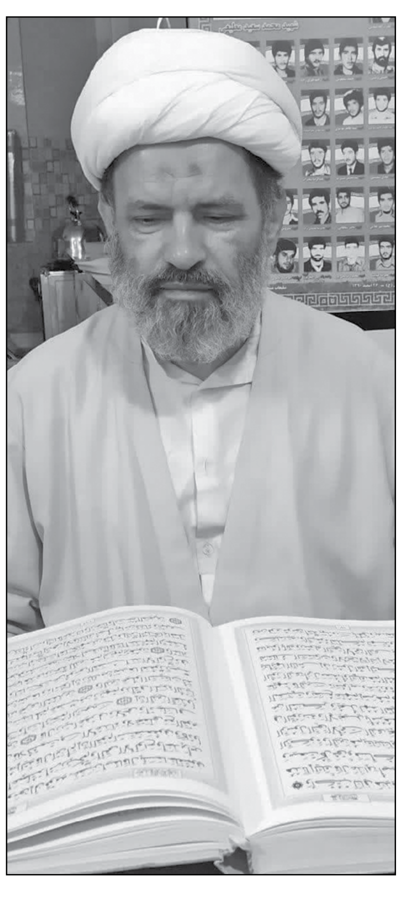

روحانیت شیعه در دوران پُرافتخار خویش همواره در هدایت جامعه نقش کلیدی و اصلی ایفا کرده است. علما و دانشمندان دینی با پیروی از پیامبر اکرم و معصومین علیهم‌السلام وظیفه خویش را هدایت و دستگیری از مردم بخصوص مستضعفان می‌دانند. آنان برای خود اصالتی قائل نیستند بلکه خود را برای خدا یعنی ذوب و محو در خدا می‌بینند، لذا با تمام وجود، چه با گفتار و سخن و چه با با زندگی و کردارشان رهنمای همه انسان‌ها هستند تا آحاد مردم را به سرمنزل مقصود برسانند که همان بندگی تمامِ پروردگار و تسلیم کامل در برابرِ اوست. عالمان ربانی به خوبی می‌دانند در این راه پُرمشقت حتی هدایت تنها یک نفر می‌تواند علاوه‌بر نجات آن شخص، خودشان را هم به اوج و قرب الهی برساند لذا آنان به دنیا و زرق و برقش هم نظری ندارند و ارزشی برای خصوص آن قائل نیستند.

حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدصادق کرمانشاهی اصل معروف به حاج صادق کرمانشاهی از جمله روحانیونی است که توانست در طول حیات کوتاه اما پُربرکتش منشاء خیر و برکات زیادی بشود. او ضمن انس با قرآن و حفظ سخن پروردگار هم در زبان و هم در رفتار، قرآن را تابلوی زندگی خویش قرار داد. او عالمی قرآن‌شناس، مبلغی خوش سخن، مجاهدی خستگی ناپذیر، شجاع و با شهامت، نکته سنج و دقیق در امور علمی بود و در عین حال در هیاهوی زندگی شخصی با قناعت و بسیار ساده زیست بود، وی چنان به فکر دیگران و غمخوار آنان بود که گویا خود و گاهی خانواده‌اش را هم فراموش می‌کرد.

اینک گرچه جسم خاکی و مجروحش در میان ما نیست و از دیدارش محروم هستیم؛ اما شاگردانِ اخلاق حسنه‌اش و طلابِ دروس حوزه و تفسیر قرآنش و برادران مسجد جزایری که هم قبل از انقلاب و هم بعد از آن و در طول جنگ تحمیلی از گفتار حکیمانه و رفتار کریمانه‌اش بهره‌ها برده‌اند؛ همگی گوشه‌ای از باقیات الصالحات این روحانی سرافراز بوده و در میان ما هستند تا با بازگویی سجایای اخلاقی و سلوک علمی و عملی‌اش راه آن استاد فرزانه را ادامه دهند و یادش را زنده نگه دارند.

این خصوصیات مرحوم شیخ صادق است که سبب شده هر کس با کمترین و کوتاه‌ترین زمان آشنایی با وی از شنیدن خبر جانکاه رحلتش متاثر شده و اشکش سرازیر شود.

آری تقدیر الهی چنین بود که در روز پنجشنبه بیست و سوم فروردین ۱۴۰۳ خورشیدی بعد از یک ماه مجاهدت و روزه داری و تبلیغ، هنگام بازگشت از سفر تبلیغی ماه مبارک رمضان، در اهواز که برادرانش همان شهدایی که هم نفس بودند و مرتب از آنان یاد می‌کرد و آرزوی دیدارشان را داشت، در سن شصت و دو سالگی از عالم خاک به عالم افلاک و جهان ابدی عروج کند که (عاش سعیدا و مات سعیدا) روز جمعه ۲۴ فروردین پیکر مطهرش را به شهید آباد اهواز برای مراسم تغسیل و تکفین و دیدار و تجدید عهد با برادران و همرزمانش بردند و آنگاه به قم جوار حرم کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام‌الله علیها کنار مادر و برادرشهیدش و شهدای سرافراز گلزار شهدای قم منتقل کردند تا در قطعه والدین شهدا خاکسپاری و در آنجا آرام گیرد و چه زیباست که «طوبی له و حسن مآب»

نگاهی گذرا به زندگی حاج صادق

حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدصادق کرمانشاهی اصل معروف به حاج صادق کرمانشاهی فرزند محمدباقر در تاریخ پانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۲ خورشیدی در اهواز متولد شد. وی در خانواده‌ای مذهبی و مقید به رعایت آداب اسلامی در دوران سختِ رژیم منحوس پادشاهی به دنیا آمد. پدر و مادرش در تربیت فرزندان بسیار کوشا بودند و نتیجه این مراقبت پرورش فرزندانی بود که حاج صادق کرمانشاهی و حسین کرمانشاهی به دلیل تقید به اسلام و دستورات دینی و قناعت فوق‌العاده و ساده زیستی جهاد و جانبازی در راه خدا برجستگی خاصی داشتند.

زندگی در دوران رژیم ستمشاهی و طاغوت

دوران کودکی و نوجوانی محمدصادق در میان دوستان و هم‌مدرسه‌ای‌هایش بسیار زود سپری شد. وی که سختی‌ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی رژیم طاغوت را می‌دید با هدایت افراد خانواده خصوصا والده مکرمه و برادرانش توانست بسیار خوب خودش را بشناسد و آماده حضور فعال در صحنه‌های اجتماعی بشود. در همین سن نوجوانی بود که برادربزرگ‌ترش حسین (متولد ۱۳۲۸شمسی) به دست عوامل طاغوت شهادت رسید. حسین از فعالان سازمان مجاهدین خلق بود. وقتی آن سازمان در سال ۱۳۵۴ اعلام تغییر ایدئولوژیک از اسلام به مارکسیسم کرد حسین و تعداد دیگری از مجاهدین مانند شریف واقفی با این تغییر مخالفت کردند و بر اسلامی ماندن مرام سازمان اصرار کردند؛ به همین دلیل از سازمان تصفیه شد و عکسش در اختیار ساواک قرار گرفت. ساواک منحوس وی را در فروردین همان سال ۱۳۵۴ دستگیر کرد ولی زیر شکنجه‌های وحشیانه مقاومت نمود و حتی یک نفر از همرزمانش را لو نداد تا به شهادت رسید.

صادق از همان سن وارد مبارزات ضد رژیم شاه شد. سال ۱۳۵۵ در کلاس‌های اصول اعتقادی که مرحوم حجت الاسلام حمید کاشانی در کتابخانه مسجد آیت‌الله جزایری اهواز به شکل مخفیانه برگزار می‌کرد، در کنار شهیدان سعید درفشان و سید محمدرضا حسن زاده و جمال دهشور شرکت کرد.

با شروع انقلاب اسلامی در اولین تظاهرات شهر اهواز حضور یافت و دست او به صورت سطحی مورد اصابت گلوله یک سرهنگ شهربانی قرار گرفت. در تظاهرات مردم اهواز روز سیزده فروردین سال ۱۳۵۷ نیز پای او هدف مامورین ساواک قرار گرفت و مجروح شد. صادق یکی از شجاع‌ترین جوانان مسجد آیت‌الله جزایری اهواز بود که در راه‌اندازی تظاهرات علیه رژیم شاهنشاهی و توزیع اعلامیه‌های انقلابی نقش اساسی ایفا می‌کرد. گروه‌های مذهبی پیش از انقلاب علی‌رغم سیطره و اشراف ساواک منحوس بخوبی توانسته بودند از میان جوانان و نوجوانان یارگیری نمایند. محمدصادق هم با ویژگی‌هایی که داشت با راهنمایی اهل خانه و مربیان انقلابی، جای خود را در میان آنان باز کرد و برگ تازه‌ای از زندگی اجتماعی خود را گشود. او در کارها و فعالیت‌های انقلابی در مدرسه و بیرون مدرسه در انجمن دانشوران و مکتب قرآن شرکت فعال داشت و برای انجام کارها پیشقدم می‌شد. پس از اعلام حکومت نظامی، به همراه سایر دوستانش در مسجد جزایری اعتصاب دبیرستان‌های اهواز را سامان داد. با ورود دانش‌آموزان به تظاهرات، حکومت نظامی شکست خورد. همین فعالیت‌های صادق باعث شد نیروهای رژیم دنبال او باشند و در اوایل دی‌ماه سال ۱۳۵۷ در حال توزیع اعلامیه‌ای که عکس شاه را به شکل یک دیو نقاشی کرده بود، دستگیر کنند. آنها محمدصادق را بازداشت و زندانی کردند اما با شکنجه هم نتوانستند از او اطلاعاتی به‌دست بیاورند. در بازداشت، آن قدر با کابل بر تن او زدند که بدنش مجروح و متورم شد تا جایی که حتی لباس‌هایش بر تنش تنگ شد. او مانند حسین برادر شهیدش هیچ‌کدام از دوستانش را لو نداد و همه شکنجه‌ها را تحمل کرد و سرانجام او را آزاد کردند. البته او هیچ‌گاه از شکنجه‌ها و مجروحیتش با کسی سخن نگفت.

پیروزی انقلاب
و نقش حاج صادق در فعالیت‌های اجتماعی

علاقه‌مندی به فعالیت‌های اعتقادی، استعداد فوق‌العاده، همت عالی، شجاعت و شهامت مثال زدنی، خستگی ناپذیری و از همه مهم‌تر اُنس وی با قرآن در کنار بی‌اعتنایی به دنیا و سفره‌های رنگینش باعث شد در مقابل مشکلات و ناملایمات سر خَم نکند و حتی به مقابله با سختی‌ها برود.

آری! یک امتیاز ویژه حاج صادقِ عزیز، اُنس او با قرآن بود. این ارتباط و انس باعث شد وی برای حفظ قرآن قدم بردارد. ترنم آیات قرآن در جلسات کوچک و بزرگ و نشست و برخاست‌هایش، در سفر و حضرش، در جمع و تنهائیش او را چنان بزرگ کرده بود که گویا با قرآن زندگی می‌کرد و با آن نفس می‌کشید. آری در یک کلمه، قرآن زندگی او بود. هر شخصی با او آشنا می‌شد بوی قرآن را از او حس می‌کرد.

اولین آشنایی من با صادق از همین ارتباط وی با قرآن آغاز شد در جلسه‌ای که شاید حدود سال ۱۳۵۶ بود در مسجد طالب زاده با چند نفر از نوجوانان نشسته بودیم و صادق برایمان از قرآن و مفاهیم بلند آن می‌گفت درست به‌خاطر دارم راجع به دقت در انتخاب دوست سخن می‌گفت. در آن دورانِ پُرخطر و سخت برای ما نوجوانان انتخاب دوست و رفیق صمیمی بسیار مهم بود وی به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران استناد کرد(یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا بطانه من دونکم لایالونکم خبالا ودّوا ما عنتم...) و خیلی زیبا آن را برایمان توضیح داد.

کلام و سخنش با قرآن آمیخته بود و در جلسات و حتی منبر و سخنرانی هنگامی که می‌خواست آیه‌ای را بخواند آداب کامل را رعایت می‌کرد و آیات انتخابیش را با صوت می‌خواند. گاهی در یک منبر چند نوبت این قرائت قرآن با صوت اتفاق می‌افتاد. حاج صادق که قاری قرآن و مداح اهل بیت عصمت و طهارت نیز بود، با همکاری دیگر دوستان و علاقه‌مندان محافل و مسابقات قرآنی و اذان برگزار می‌کرد. یکی از فعالیت‌های ایشان با کمک برادران مسجد، بنیان گذاری هیئت عزاداری سیدالشهدای مسجد جزایری در ایام محرم و صفر بود. محمدصادق برای خواندن دعا و مرثیه و نوحه سرائی معطل کسی نمی‌شد. با لحن و صوت محزونی که داشت در ابتدای دعا چند خطی مداحی می‌خواند تا دل‌ها را آماده کند. این خصوصیت او بود که از همان ابتدا با اشک و ناله‌های جانسوز و گریه‌هایش هر شنونده‌ای را تحت تاثیر قرار می‌داد. در بیان مصائب اهل البیت علیهم‌السلام و مرثیه‌سرایی بر آنان کم نمی‌گذاشت و بخصوص واقعه جانگداز عاشورا و تصویر آن حاثه تلخ را با شور و حرارت بیان می‌کرد. دهه اول محرم که مسجد جزایری بچه‌هایش را جمع می‌کرد و برادران از شهرهای مختلف گِرد هم می‌آمدند عمو صادق در کنار حاج صادق آهنگران میدان‌داری می‌کرد و با شور و نغمه‌های جانسوزش دل‌ها را حسینی می‌کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران، با تجربه‌هایی که آقاصادق از کار با دانش‌آموزان داشت توانست کانون انجمن‌های دانش‌آموزان استان خوزستان را به همراه دیگر دوستانش که از مساجد مختلف بودند، تشکیل دهد. وی در کنار شهیدان محمود یاسین، سید محمدرضا حسن زاده و سعید درفشان عضو شورای مرکزی آن بود. با آغاز تهاجم ارتش بعث عراق به همراه دیگر رزمندگان و همرزمانش از مسجد جزایری عازم جبهه‌های جنگ تحمیلی شد. در جبهه شجاعت‌های صادق کرمانشاهی زبان زدِ همرزمان بود. در جبهه همراه با برادران و دوستانش فعالیت هیئت عزاداری سیدالشهداء را ادامه داد و این هیئت به مرکز بزرگ عزاداری رزمندگان حاضر در اهواز و سوسنگرد تبدیل شد.

او در عملیات‌های طریق القدس و بیت‌المقدس اردیبهشت ۱۳۶۱ از ناحیه هر دو پا به شدت مجروح شد و مدتی تحت معالجه و درمان قرار گرفت. در همان سال به‌خاطر علاقه‌ای که به دروس حوزه ی علمیه داشت با دعوت آیت‌الله موسوی جزایری طلبه حوزه علمیه امام خمینی اهواز شد و فراگیری دروس حوزه علمیه را آغاز کرد.

هجرت به قم و آغاز فعالیت‌های علمی

فعالیت‌های علمی عموصادق با فعالیت‌های اجتماعیش پیوند خورده بود. او دوست می‌داشت از تمام توانش برای جذب افراد جدید استفاده کند و فعالیت‌هایش را بیشتر کند اما برخی که چنین رفتارهای مسئولانه‌ای را تحمل نمی‌کردند سرانجام او را مانند استادش شیخ حمید کاشانی به انزوا کشاندند. روح بلند صادق عزیز نمی‌توانست آرام بگیرد به همین خاطر پس از طی مقدمات در اهواز برای ادامه آموزش سطوح بالاتر علمی به شهر قم مهاجرت کرد. ادامه جنگ تحمیلی که مرتب دوستان و برادران را یکی یکی می‌گرفت و به شهادت می‌رسیدند سبب شد آقا صادق علاوه بر فراگیری دروس به خاطر اشتیاقش به شهادت هنگامی که از انجام عملیات اطلاع پیدا می‌کرد؛ با فراخوانی رزمندگان برای هر عملیات بزرگ علی رغم دردهای ناشی از مجروحیت از ناحیه هر دو پا راهی جبهه‌های جنگ می‌شد. وی کارنامه درخشانی از حضور در عملیات خیبر و بدر و والفجر۸ و کربلای ۴ و کربلای۵ و شرکت فعال در میدان‌های نبرد داشت که سرانجام به مجروحیت وی منجر گردید.

فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

پس از جنگ تحمیلی، صادق کرمانشاهی عرصه دیگری برای فعالیت فرهنگی انتخاب نمود او به عنوان مبلغ و روحانی کاروان بارها به سفر حج و عمره و سوریه و عتبات مشرف شد و راهنمای مسائل شرعی حجاج بیت‌الله الحرام بود، وی در سفر حج و عمره با افراد کاروانش ارتباط خوبی برقرار می‌کرد و سعی داشت از این فرصت بیشترین استفاده معنوی را نصیب زائران نماید بارها او را دیده بودم که قبل از اذان صبح به همراه افراد کاروانش برای زیارت و اقامه نماز صبح حرکت می‌کرد. خاطرات زیادی از همسفران وی در این سفرها وجود دارد. دو خاطره کوتاه از همسفرانش را بیان می‌کنم.

حاج حسین ایرگ می‌گوید: در سفر حج تمتع با کاروان نزدیک بقیع آمدیم حاج صادق به من گفت زیارت نامه را بلند بخوان. بعضی از حضور مامورین وهابی سعودی نگران بودند اما وی با شهامت زیارت نامه را می‌خواند. یک وقت ماموری نزدیک کاروان آمده بود شیخ صادق از وی پرسید آیا وهابی هستی؟ بعد از پاسخ مثبت آن شخص حاج صادق بدون هیچ ترسی تمام وهابیون را مورد نفرت و لعن خدا خواند.

حاج غلامرضا کلنگدار که از همسفران و زائران عمره با حاج صادق کرمانشاهی بوده نقل می‌کند: روزی با کاروان برای زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام رفتیم. هنگام زیارت به هشدار مامورین امنیتی توجهی نکرد و زیارت نامه را در کنار بقیع بلند می‌خواند مامورین به او حمله کردند و با کتک و ضرب و شتم او را بازداشت نمودند.

او در قم علاوه‌بر فراگیری دروس حوزه و تدریس و پرورش شاگردانی موفق، خانه مسکونی خود را محلی برای اجتماع طلاب خوزستانی ویژه اهوازی کرده بود و با انگیزه‌های مختلف آنان را جمع می‌کرد. برگزاری مجلس ختم صلوات، دعای توسل، دعای کمیل و دعای ندبه و سخنرانی به مناسبت‌های مختلف در طول سال باعث شد که محوری برای تشکل طلاب و روحانیون خوزستانی بشود. شیخ صادق با آن حرارت و شوری که داشت با اشعار و نوحه‌ها و مرثیه‌هایش توانست عده‌ای از طلاب را دور خود جمع کند. شایان ذکر است وی برای جذب بیشتر اقشار مختلف جوایز و هدایایی نیز در نظر می‌گرفت.

حاج صادق کرمانشاهی به دلیل عشق و علاقه وافرش به حضرت سید الشهدا(ع) و همچنین زنده نگهداشتن نام حضرت، از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد لذا با توجه به نیاز و ضرورت با کمک دیگر دوستان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) طلاب خوزستانی مقیم قم صندوق قرض الحسنه سید الشهدا(ع) را بنیان گذاری کرد. شیخ صادق، معمولا احوال اشخاص را که می‌پرسید منتظر اظهارِ نیاز دوستان و برادران نمی‌شد و اگر مواردی از نیازِمندی یا مشکلات مالی را متوجه می‌شد زود دست به‌کار می‌شد که گره از کار بگشاید و دست افتاده‌ای را بگیرد. چه در اهواز و چه در قم با صحبت‌هایی که با خیرین داشت، افراد نیازمند بخصوص طلاب را شناسایی و کمک‌هایی به صورت قرض الحسنه در اختیارشان می‌گذاشت.

دهه نود که ضرورت فعالیت در فضای مجازی را احساس کرد با اینکه مورد بی‌مِهری برخی قرار گرفته بود و با سخنان و حرف‌های نامناسب وی را آزرده بودند تا آنجا که برای ادامه فعالیت‌هایش به قم هجرت کرده بود اما نمی‌توانست نسبت به برادران و دوستان مسجد جزایری بی‌تفاوت باشد لذا چند کانال و گروه فضای مجازی از طلاب و رزمندگان مانند «المستغفرین بالاسحار» و «گروه مسجد جزایری» و «گروه عکس و آثار شهدای مسجد» و گروه «صندوق قرض الحسنه سیدالشهدا(ع)» را راه‌اندازی و مدیریت می‌کرد. او در عرصه فرهنگی و سیاسی در فضای مجازی از پیشتازان و فعالان این عرصه شد. تدوین تاریخ شفاهی مسجد جزایری در کتاب دِین و زندگینامه شهدای مسجد مانند شهید حمید رمضانی و شهید استاد علی جمالپور و شهید سید مهرداد مجدزاده نیز بدون مشارکت و راهنمایی‌های ارزشمند صادق عزیز امکان‌پذیر نبود.

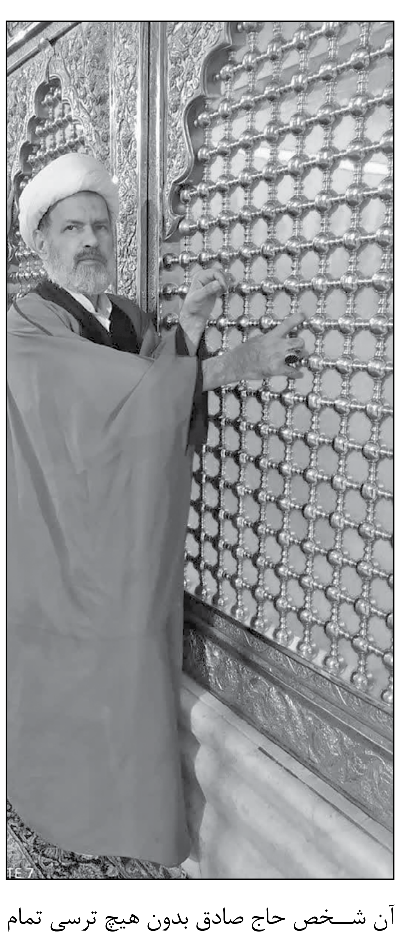

یکی از خصوصیات ماندگار محمدصادق که تا آخر در وی بخوبی قابل مشاهده بود این بود که گویا او اصلا خود را نمی‌دید. برای دیگران بسیار مایه می‌گذاشت و از خود گذشت و گذر می‌کرد. همواره به فکر دیگران بود یک احساس مسئولیت اجتماعی خیلی قوی در وی بود که گذشتِ آسان از امکانات و راحتی و آسایش خودش و حتی خانواده‌اش و ایثار برای دیگران را به‌دنبال داشت. خستگی ناپذیری و علاقه‌مندی وی به حضور در عرصه‌های مختلف از خصوصیات این عالمِ عامل بود.

در سال‌های اخیر وارد عرصه سبک زندگی سالم اسلامی شده بود و با فعالیت در محصولات غذائی سالم توانست حلقه وصلی میان تولیدکنندگان محصولات سالم و مصرف کنندگان آشنا بشود که بیشتر طلاب و روحانیون و خانواده‌هایشان بودند. وی اهمیت زیادی برای سلامتی جسم طلاب و خانواده‌ها و فرزندان‌شان قائل بود به همین خاطر به بهانه‌های مختلف سعی داشت مواد غذائی سالم را در اختیارشان قرار دهد.

تبلیغ و استفاده از فرصت‌های مناسب برای بیان معارف ناب قرآن و معصومین علیهم‌السلام برای شیخ صادق یک اولویت بی‌بدیل بود. لذا علی‌رغم مشکلات و سختی‌ها خود را برای انجام این تکلیف و چنین رسالتی آماده کرده بود و برای تبلیغ به شهرهای گوناگون سفر و برای اقشار مختلف برنامه اجرا می‌کرد. در این سفرها وی بی‌تکلف و غیر مقید به محل سکونت و غذا و دیگر امکانات بود و از تشریفات‌گریزان بود، صمیمیت و صفای باطن او در کنار شوخی‌ها و مزاح‌های بیادماندنی، محبوبیت او را در دل مخاطبانش بیشتر کرده بود و سبب شده بود که پس از دوران تبلیغ مخاطبانش در شهرهای مختلف همچنان ارتباط‌شان را با وی در طول سال حفظ کنند.

عروج آسمانی از زمین خاکی به دیار باقی

صادق کرمانشاهی، سرانجام در سن شصت و دو سالگی پس از سفری تبلیغی به آرزوی دیرینه‌اش که پیوستن به شهدا بود، رسید. این وعده و بشارت صادقِ الهی است(و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله و کان الله غفورا رحیما) وقتی که ماه مبارک رمضان را با پاکیزگی روح و جسمش سپری نمود.

این آخرین پیامک حاج صادق عزیز است که پس از تبریک بنده، روز چهارشنبه روز عید فطر ساعت ده صبح برایم فرستاد: (اللهم اهل الکبریاء و العظمه. عید فطر پاک‌ترین و مبارک‌ترین عیدهاست، عید عبودیت و بندگی ست، پاداش یک‌ماه عبادت و شستشوی جان در نهر پاک رمضان است.

این عید بزرگ بر شما و خانواده گرامیتان مبارک‌باد.) آری او با پاکیزگی تمام به ندای ملکوتی (یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی) لبیک گفت. خداوند چنین خواست تا حاج صادق در اهواز ضمن تجدید عهدش با شهدا و وداع با برادران و دوستانش و بچه‌های مسجد جزایری حضور پیدا کند، لذا در روز جمعه پیکر مطهرش در بهشت آباد اهواز پس از مراسم غسل و کفن و وداع با شهدا به مصلی امام خمینی قدس سره منتقل گشت تا خیل نمازگزاران جمعه به امامت آیت‌الله کعبی بر پیکرش نماز بخوانند آنگاه به قم منتقل شد تا در شهر کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها کنار مادرش ام الشهید و حسین برادر شهیدش گلزار شهدای علی بن جعفر سلام‌الله علیه خاکسپاری شود و آرام گیرد. آری (طوبی له و حسن مآب که عاش سعیدا و مات سعیدا)

قهرمانی با حال و هوای شهدا

کامران پورعباس

اردیبهشت امسال تیم فوتسال جمهوری اسلامی ایران برای سیزدهمین بار قهرمان جام ملت‌های آسیا شد.

بعد از این پیروزی و کسب جام، وحید شمسایی سرمربی تیم ملی فوتسال ایران در ویدئویی که کانال فدراسیون فوتبال منتشر کرده است، این عنوان را به شهید غیرت «حمیدرضا الداغی» و خانواده وی اهدا نمود و گفت: امیدوارم همه ما در مسیر رشد و تعالی کشور گام برداریم.

احسان الداغی برادر شهید حمیدرضا الداغی در واکنش به اهدای قهرمانی آسیا به برادر شهیدش گفت: از طرف خودم و خانواده‌ام از وحید شمسایی سرمربی تیم ملی فوتسال که به اخلاق ورزشی معروف است، تشکر می‌کنم. من و خانواده‌ام واقعاً خوشحال شدیم و مطمئن هستم که روح برادر شهیدم شاد شد، چون شهید الداغی هم ورزشکار بود. برادر شهید ادامه داد: در یک سال گذشته هر وقت که گروه‌های ورزشی برای دلجویی مادرم می‌آمدند، مادرم روحیه می‌گرفت و خیلی خوشحال می‌شد. حالا هم مادرم با شنیدن خبر اهدای قهرمانی تیم ملی فوتبال آسیا به برادر شهیدم بسیار شاد شد و روحیه گرفت. چون حمیدرضا ورزشکار بود و مادرم با بچه‌های ورزشکار ارتباط دلی دارد. افتخار و تشکر می‌کنم از بزرگواری وحید شمسایی که برادرم را یادآوری کرد و این جریان ادامه‌دار شد.

شهید حمیدرضا الداغی ۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ هنگامی که اراذل و اوباش در یکی از خیابان‌های سبزوار برای دو دختر جوان ایجاد مزاحمت کرده بودند، برای دفاع از ناموس با آنها درگیر شد و بر اثر اصابت ضربات چاقو به شهادت رسید.

اعزام تیم ملی فوتسال به مسابقات جام ملت‌های آسیا مقارن شد با پاسخ پشیمان‌کننده جمهوری اسلامی ایران به صهیونیست‌ها در عملیات غرورانگیز وعده صادق و متعاقب آن تمامی پروازهای هواپیماها لغو شد.

وحید شمسایی در مورد این عملیات و اعزام به مسابقات در آن شرایط گفت: دم بچه‌ها گرم که اسرائیلی‌ها را زدند. بعد از این ماجرا تمام پروازها لغو شد و اگر دیرتر به تایلند می‌رفتیم حذف می‌شدیم. در نهایت با هماهنگی وزرا یک هواپیما آمد تا ما را به ترکیه ببرد. وقتی سوار هواپیما شدیم، گفتیم اگر اتفاقی هم افتاد برای کشورمان است و سرمان هم بالاست.

استقبال خانواده وحید شمسایی از وی با حجاب کامل در فرودگاه پس از قهرمانی بسیار مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و بازتاب داشت.

چند روز پس از قهرمانیِ تیم فوتسال ایران، وحید شمسایی با خانواده‌اش به کربلا سفر نمود و در بین‌الحرمین با چشمانی اشک‌بار گفت: قهرمانی جام ملت‌های آسیا را از حضرت زهرا(س) دارم.

برخی از رسانه‌ها گفتند و نوشتند که به دلیلِ ارزشی بودنِ وحید شمسایی و این حرکاتِ ارزشی‌اش، قهرمانی فوتسال میان برخی سلبریتی‌ها و برخی رسانه‌های معلوم‌الحال که فضاها و تریبون‌های گسترده‌ای در فضای مجازی در اختیار دارند، بازتاب چندانی نداشت. لذا وظیفه ما رسانه‌های ارزشی است که در جهت تکریمِ شخصیت وحید شمسایی و تبیین رویش‌هایِ معنوی‌اش ادای وظیفه نماییم.

نگاهی می‌اندازیم به برخی سوابق ارزشیِ وحید شمسایی در سال‌های مختلف.

ارادت به ساحت مقدس حضرت زهرا(س) و امام حسین(ع)

میهمان یازدهمین برنامهٔ افطارگاهی شبکه اول در سال ۱۳۹۵ با عنوان «شهر باران»، وحید شمسایی و همسرش بودند. برنامه‌ای که در آن صحبت‌هایی جالبی از سوی آقای گل فوتسال جهان درخصوص دینداری و سبک زندگی اسلامی خانواده‌اش عنوان شد.

شمسایی در این برنامه از ارادت شدید خود نسبت به ساحت مقدس حضرت زهرا(س) و حضرت اباعبدالله(ع) سخن گفت و اذعان داشت که هیئات مذهبی متعلق به همه قشر مردم مؤمن است.

در ادامه پدرام کریمی مجری برنامه گفت: قبل از آنکه با وحید شمسایی آشنا شوم، او را در رسانه‌ها دنبال می‌کردم. وحید شمسایی با مدل موی خاص و مدل لباس پوشیدن خاص! تا اینکه به گمانم عکس او همراه با خانواده‌اش را در نشریه‌ای دیدم که خانواده‌اش چادری بودند. تصویری که از وحید شمسایی در ذهن خود داشتم چیزی بود که با خانواده‌اش همخوانی نداشت.

همسر وحید شمسایی توضیح داد: هم خانواده ما و هم خانوادهٔ آقای شمسایی بحمدالله مقید هستند. دخترهای من نیز چادری هستند و اهل نماز اول وقت؛ همچنین از همان ابتدای سن تکلیف در ۹ سالگی روزه‌های خود را گرفته‌اند. دخترها با دیدن آنکه مادرشان چادری است و همچنین پدرشان تشویق به پوشیدن چادر می‌کنند، حجاب کامل را انتخاب کردند.

شمسایی همچنین از نگاه دینی خود گفت. از آنکه باید مبانی دینی‌مان در واقعیات زندگی‌مان جریان داشته باشد.

واکنش به شهادت حججی

بعد از شهادت مظلومانه شهید محسن حججی که جهان را به لرزه درآورد و بازتاب بین‌المللیِ کم نظیری پیدا کرد، وحید شمسایی آقای گل فوتسال جهان در مردادماه سال ۱۳۹۶ شهادت این شهید گرانقدر را به ایرانیان و خانواده‌های محترم شهدا تسلیت گفت.

شمسایی در مورد شهادت محسن حججی و دیگر شهدای مدافع حرم اظهار داشت: شهدای گرانقدر با عبور از این گذرگاه برای همیشه جاودان و تاریخی باقی خواهند ماند و عزت و سربلندی را برای ملت شریف ایران برجای گذاشته‌اند.

وی ادامه داد: محسن عزیز؛ با شهادت مظلومانه‌ات سر خود را دادی که ما مردم ایران را سربلند و جاودانه کنی و با شهادتت یک‌بار دیگر حادثه تاریخی کربلا را نه این بار توسط یزیدیان کافر بلکه توسط تکفیری‌های داعشی اتفاق افتاد. شهادتت به خوبی مظلومیت سرور سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین را یک‌بار دیگر در ذهن تمام مسلمانان جهان این واقعه فراموش نشدنی را تکرار نمود.

شمسایی گفت: اینجانب و جامعه فوتسال ایران شهادت آن پاسدار شهید اسلام را به محضر مقام معظم انقلاب و خانواده محترم شهید حججی و همرزمانش و ملت شریف ایران تسلیت عرض می‌نمایم.

رمز محبوبیت قاسم سلیمانی

۱۶ دی ۱۳۹۸ وحید شمسایی کاپیتان سابق تیم ملی فوتسال ایران در مراسم تشییع پیکر سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی حاضر شد و اظهار کرد: ایشان صادقانه و با دل پاک به گونه‌ای رفتار کرد که این همه آدم را توانست به این‌جا بکشاند.

وی ادامه داد: همه به او اعتماد داشتند. او حرف می‌زد و عمل می‌کرد و در مقابل دشمن شجاعانه می‌ایستاد. سادگی، شهامت و ایثار باعث شده تا تشییع پیکرش با این استقبال همراه شود. حضور امثال ما هم در این مراسم وظیفه بوده است و این کمترین کاری است که می‌توانستیم انجام دهیم.

امام حسین(ع) همه زندگی من است!

قسمت اول از فصل اولِ برنامه مهلا با میهمانیِ وحید شمسایی پخش شد.

وحید شمسایی در پاسخ به این سؤال مجری: «الان امام حسین کجایِ زندگیته؟»، ابراز داشت: «همهٔ زندگیمه، ارباب همه جایِ زندگیِ منه.... من عاشقِ مادرشون خانوم حضرت زهرام. یعنی من حضرت زهراییه عجیب غریبم و همیشه حضرت زهرا را واسطه می‌کنم.»

شمسایی در این برنامه با اشک خاطراتِ اولین نجف و کربلا رفتنش را تعریف می‌نماید و سخنان مفصلی در مورد عمق اعتقادات و اهل بیتی بودنش و نقش این باورها در زندگی‌اش بر زبان جاری می‌نماید.

بخش‌هایی از سخنان شمسایی در این برنامه چنین است:

«من الان چهل و شش سالمه. از موقعی که خودم رو پیدا کردم، منتظر محرم بودم. از موقعی که خودم رو فهمیدم، منتظر این دهه بودم.... خدای من شاهده تو لحظه‌ای که احتیاج به یک ضربه داشتم، باورم نمی‌شده کجاست، گفتم خانوم حضرت زهرا کمکم کن. من فیلم براتون میارم تو صدم ثانیه وصل شدم و وقتی توپ رفتِ تو گل، دستم رو داشتم می‌بردم بالا، اشک داشته از چشمام میومده.... همه دنباله رزق امام حسین هستند.»